

رُوسِ پَاروین



* مصطفی کاویانی

مقایسه‌ای بین دو بیت:

چو سی و سه مهتر ز تخم پشنگ

که رویین بُدی شاهشان روز جنگ

به گاه نبرد او بُدی پیش کوس

نگهبان گردان و داماد توس

از شاهنامه فردوسی بر اساس چاپ مسکو، صفحه ۱۸، جلد ۴،

آیات ۱۵۷ و ۱۵۸

با سه بیت:

چو سی و سه جنگی ز تخم پشنگ

که زوبین بُدی سازشان روز جنگ

نگهبان ایشان همی بود ریو

که بودی دلیر و هشیوار و نیو

به گاه نبرد او بُدی پیش کوس

نگهبان گردان و داماد توس

از شاهنامه فردوسی، چاپ بروخیم، جلد سوم، صفحه ۷۷۶،

رویین در شاهنامه فردوسی، فرزند پیران ویسه است و توس سپهبد هرگز دامادی به نام رویین نداشته و داماد توس، ریو نیز Reyniz یا Rivniz بوده است.

نخستین باری که با نام رویین فرزند سپهسالار پیران ویسه در شاهنامه فردوسی آشنا می‌شویم، ضمن داستان غم‌انگیز سیاوش و هنگام چوگان بازی افراسیاب و سیاوش است. به نزد سیاوش فرستاد یار

چو رویین و چون شیده نامدار^(۱)
حتی زمانیکه سیاوش آزاده و درست پیمان، به فرمان نابخردانه و اهریمنی افراسیاب بداندیش به دست دژخیم زشت‌خویی چون گروی زره ناجوانمردانه به قتل رسید و صدها دلاور ایرانی به همراه او را گردن زدند عطش پایان‌ناپذیر افراسیاب که تشنه خون بیشتری بود، تسکین نیافت.

آتش سوزان طبع سرکش و خونریز او قربانیان بیشتری می‌طلبید و در این سودا بود که دختر باردار خویش، فرنگیس را که جفت باوفای سیاوش بود نیز به قتل برساند تا نسلی از سیاوش باقی نماند.

افراسیاب نیک می‌دانست که:

به خون سیاوش سیه پوشد آب

کند زار نفرین بر افراسیاب^(۲)

آقای شاهرخ مسکوب در کتاب سوگ سیاوش، صفحه ۳۶ می‌گوید:

«مرگ او را جهان و جهانیان بر نمی‌تابند و رهایی‌کشنده او محال است، غروب این خورشید، تکوین آفتاب دیگری است که تباه‌کننده تاریکی است.»

افراسیاب برای اجرای نیت شوم و قصد پلید و غیرانسانی خود (نابودی فرنگیس) به برادرش گرسیوز که وجودش تبلور و تجسم نامردمی و شیطان‌صفتی و سرشار و لبریز از فرومایگی بود، می‌گوید:

ز پرده به درگه بریدش کشان

بسر روزبانان مردم کشان

بسدان تا بگیرند موی سرش

بدرند بسر بر همه چادرش

زنسندش همی چوب تا تخم کین

بریزد بر این بوم توران زمین

نخواهم ز بیخ سیاوش درخت

نه شاخ و نه برگ و نه تاج و نه تخت^(۳)

پیلسم Pilsam، برادر پیران ویسه به اتفاق دو برادر دیگرش 'هاک و فرشید ورد، برای نجات جان فرنگیس به سوی برادر مهتر خود پیران که به دور از این وقایع در ختن به سر می‌برد، شتافتند تا با نفوذی که پیران سپهبد در افراسیاب دارد از وقوع فاجعه دیگر و کشته شدن فرنگیس جلوگیری شود.

پیلسم پس از رسیدن به حضور پیران و آگاهانیدن او از ماجرای هولناک و دل‌خراش سیاوش، خطاب به برادر می‌گوید:

فرنگیس را نیز خواهند کشت

مکن هیچ‌گونه بر این کار پشت^(۴)

آنگاه پیران:

خود و گرد رویین و فرشیدورد

بسرآورد زان راه نساگاه گرد^(۵)

این دومین تجلی نام رویین، پسر پیران در شاهنامه فردوسی است.

در جلد چهارم شاهنامه چاپ مسکو در صفحات ۱۰۵ و ۱۰۶ و در ابیات ۱۵۰۲ و ۱۵۰۴ و ۱۵۰۵ در مجموع سه بار با نام رویین برخورد داریم که همه تأکیدی است بر این که رویین فرزند پیران است و در داستان خاقان، بیت ۷۸۲ نیز نام رویین با پدرش پیران و عموهایش، هومان و کلباد آمده است.

در جنگ دوازده رخ، هفده بار نام رویین آمده است. در این جنگ رویین به عنوان سفیر و فرستاده پدر خویش پیران به سوی گودرز سپهسالار سپاه ایران می‌رود.

پسر بُد مر او را سر انجمن

یکی نام، رویین رویینه تن

بسدو گفت نزدیک گودرز شو

سخن گوی هشیار و پاسخ شنو^(۶)

هنگامی که رویین به حضور گودرز می‌رسد و پیام پدر را تقدیم می‌دارد:

به رویین چنین گفت پس پهلوان

که‌ای پور سالار و فرخ جوان

تو مهمان ما بود باید نخست

پس این پاسخ نامه بایدت جست^(۷)

و در همین جنگ دوازده رخ است که طومار حیات روین پیران به دست بیژن گیو درهم پیچیده می‌شود و به زندگی او خاتمه داده می‌شود.

ششم، بیژن گیو و روین دمان

به زه برنهادند هر دو کمان^(۸)

در شاهنامه ترجمه بنداری اصفهانی آمده است:

«و اما السادس و هو بیژن بن جیو و قوته روین بن پیران»

به رومی عمود آنگهی پور گیو

همی گشت با گرد روین نیو

زد از باد بر سرش رومی ستون

فرو ریخت از ترگی او مغز و خون

کمند اندر افکند و بر زین کشید

نشد کس که تیمار روین کشید^(۹)

و این پایان ماجرای روین پیران در شاهنامه فردوسی است.

در سلسله وقایع شاهنامه جنگ سرنوشت ساز کیخسرو و

افراسیاب، جنگ بزرگ نامیده شده است. این رخداد پس از واقعه دوازده رخ اتفاق افتاده و طبیعی است که روین پیران کشته شده و نمی‌تواند در جنگ بزرگ حضوری داشته باشد. اما در همین جنگ چهاربار اسم روین ذکر شده است.

نخستین بار هنگامی است که افراسیاب از نتیجه تلخ جنگ دوازده رخ و کشته شدن پیران، هومان، کلباد، لهاک، فرشید ورد، پیران ویسه و روین فرزند پیران آگاه می‌شود و بر آنان زاری می‌کند.

از آن درد بگریست افراسیاب

همی کند موی و همی ریخت آب

همی گفت زار ای جهان بین من

سوار سر افراز روین من

جهان جوی لهاک و فرشید ورد

سسواران و گگردان روز نبرد

از این جنگ پور و برادر نماند

بزرگان و سالار و لشکر نماند^(۱۰)

تا آنجا که شاهنامه گویاست در پیکار دوازده رخ پسر و برادری از افراسیاب کشته نشده است و اگر شده باشد بی‌نام و نشان است

که آن هم بعید است فرزندی از افراسیاب و یا برادری از آن او در میدان جنگ کشته شود و گمنام باقی بماند.

در حقیقت می‌توان گفت هنگامه سهمگین دوازده رخ، جنگ دو تیره پهلوانی ایران و توران یعنی دودمان گودرز و خاندان پیران ویسه است.

اما ابیاتی که حاکی است افراسیاب بر مرگ پور و برادر می‌گرید، این توهم را به وجود می‌آورد که احتمالاً در این جنگ، فرزند و یا برادری از افراسیاب کشته شده است و در منابع

در سلسله

وقایع شاهنامه جنگ

سرنوشت ساز کیخسرو و

افراسیاب،

جنگ بزرگ نامیده شده

است. این رخداد پس از واقعه

دوازده رخ

اتفاق افتاده است

و مآخذ مورد استفاده فردوسی، داستانی بیانگر این امر بوده است و استاد توس از به نظم درآوردن آن خودداری کرده است و به صورت گذری و نظری فقط زاری افراسیاب را بیان کرده که آن هم خلاف امانت‌داری فردوسی و اقوامش نسبت به منابع مورد استفاده‌اش است.

از سویی مشاهده می‌کنیم که افراسیاب در مرثیه خوانی خود نام برادران و فرزند پیران را بر لب دارد. ظن قوی‌تر این است که با نسابودی پیران ویسه سپهسالار اندیشمند و دانای توران، افراسیاب به عنوان سپاسگزاری از روان پیران و احترام به روح بزرگ او، نسبت به روین، فرزند پیران احساس پدری و نسبت به لهاک و فرشید ورد احساس برادری داشته است.

همین ابیات که متضمن زاری افراسیاب است موجب شده که گروهی از فرهنگ‌نویسان، روین را فرزند افراسیاب بدانند. دومین بار، زمانی است که سپاه ایران برای حمله به توران زمین به جیحون نزدیک شده و افراسیاب می‌خواهد در سپاهیان توران برای جنگ و مقابله با کیخسرو ایجاد انگیزه و هیجان کند و نیروی انتقام را در آنان بارور و آتش کینه را شعله‌ور کند و دست‌آویزی جز محبوبیت پیران بین سپاهیان ندارد.

بدان درد و زاری سپه را بخواند

: پیران فراوان سخن‌ها برانند

ز خون برادرش فرشید ورد

ز رویین و لهاک شیر نبرد

کنون گاه کین است و آویختن

اباگیو و گودرز خون ریختن^(۱۱)

باید توجه داشته باشیم که مرجع ضمیر «ش» در لفظ برادرش،

کلمه پیران در مصراع دوم بیت اول است. سومین بار موقعی

است که بزرگان توران برای ادامه جنگ و اطاعت از فرمان

افراسیاب آمادگی خود را بیان می‌کنند.

که ما سر به سر مرترا بنده‌ایم

به فرمان و رایت سر افکنده‌ایم

چو رویین و پیران ز مادر نژاد

چو فرشید ورد گرامی نژاد^(۱۲)

در بیت اخیر بعضی از نسخ شاهنامه بین اسم رویین و پیران

حرف عطف «و» وجود ندارد و به صورت اضافه بنوت یعنی

رویین پیران آمده است.

چهارمین بار آنجا است که افراسیاب می‌خواهد با ذکر نام

کشته شدگان نبرد دوازده رخ که به نظر او بی‌گناه بوده‌اند و آگاهی

از این نکته که پیران ویسه فوق‌العاده مورد توجه و علاقه

کیخسرو بوده است با ایجاد جس ترحم در خسرو او را از ادامه

جنگ باز دارد.

نسیره که رزم آورد با نیا

دلش بر بدی باشد و کیمیا

چنین بود رای جهان آفرین

که گردد جهان پرز پرخاش و کین

سیاوش نه بر بی‌گنه کشته شد

از آموزگاران سرش گشته شد

گنه مر مرا بود، پیران چه کرد؟

چو رویین و لهاک و فرشید ورد^(۱۳)

با توجه به آنچه عنوان شد، در شاهنامه فردوسی تا پایان جنگ

دوازده رخ، فقط یک رویین داریم که فرزند پیران ویسه است، نه

داماد توس نوذر و نه فرزند افراسیاب.

بنابراین مصراع دوم نخستین بیت از دو بیتی که در آغاز این

نوشته از شاهنامه فردوسی بر اساس چاپ مسکو ذکر شد،

متأسفانه نادرست به نظر می‌رسد و کاتبان هنگام نسخه برداری،

اصل درست خوانی را رعایت نکرده‌اند و برای اینکه شعر پیوند

اصولی و معنوی خود را حفظ کرده باشد بیتی را حذف کرده‌اند

و فرهنگ نویسان به استناد نسخ مغلوپ، رویین نامی را از

دودمان پشنگ و داماد توس دانسته‌اند.

باید توجه داشته باشیم که این پشنگ به جز پشنگ پدر

افراسیاب است.

ریو که از نژاد پشنگ است و سوای ریو که فرزند کاووس

است بنا به مندرجات شاهنامه داماد توس و برادر همسر

زرسپ، فرزند توس است.

بین تامگر یادت آید که کیست

سرا پای در آهن از بهر چیست

چنین داد پاسخ مر او را تخوار

که این نیز ریو است گرد و سوار

فرینده و ریمن و چابلوس

دلیر و جوان است و داماد توس^(۱۴)

* - پژوهشگر

۱- شاهنامه بر اساس چاپ مسکو، جلد ۳، صفحه ۸۶، بیت

۱۳۲۵

۲- همان، جلد ۳، صفحه ۱۵۰، بیت ۲۳۱۲

۳- همان، جلد ۳، صفحه ۱۵۴، بیت ۲۳۵۹-۲۳۶۰-۲۳۶۱ و

۲۳۶۲

۴- همان، جلد ۳، صفحه ۱۵۵، بیت ۲۳۸۲

۵- همان، جلد ۳، صفحه ۱۵۶، بیت ۲۳۸۸

۶- همان، جلد ۵، صفحه ۱۵۲، بیت ۱۱۸۲ و ۱۱۸۳

۷- همان، جلد ۵، صفحه ۱۵۳، بیت ۱۱۹۶ و ۱۱۹۷

۸- همان، جلد ۵، صفحه ۱۹۵، بیت ۱۹۰۰

۹- همان، جلد ۵، صفحه ۱۹۶-۱۹۵، بیت ۱۹۰۲ و ۱۹۰۳ و

۱۹۰۴

۱۰- همان، جلد ۵، صفحه ۲۴۶، بیت ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳

۱۱- همان، جلد ۵، صفحه ۲۵۰، بیت ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵

۱۲- همان، جلد ۵، صفحه ۲۵۰، بیت ۲۵۸ و ۲۵۹

۱۳- همان، جلد ۵، صفحه ۲۶۰، بیت ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲

۱۴- همان، جلد ۴، صفحه ۵۰، بیت ۶۵۳ و ۶۵۴ و ۶۵۶